

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان:
Narrative of the Other:

Approaching "The Other", Studying Iranian Contemporary
Architecture (From Architects' Point of View)
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

روایت «دیگری»

فهم معماری معاصر ایران در مواجهه با دیگری (از منظر معماران)*

سیده صدیقه میرگذار لنگرودی^۱، ویدا نوروز برازجانی^{۲*}، بهروز منصوری^۳، محمد ضیمران^۴

۱. پژوهشگر دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
 ۲. عضو هیئت علمی گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
 ۳. عضو هیئت علمی گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
 ۴. استادیار آموزش فلسفه هنر، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
- تاریخ دریافت: ۹۸/۰۳/۲۱ تاریخ اصلاح: ۹۸/۰۵/۰۱ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۵/۰۲ تاریخ انتشار: ۹۸/۰۸/۰۱

چکیده

بیان مسئله: معماری معاصر ایران همواره در بوتۀ نقد و تحلیل متفکران و معماران قرار داشته است، زیرا با مشکلات عدیده‌ای روبه‌روست. یکی از این مشکلات، که در دیدگاه بزرگان به‌طور مشترک بیان می‌شود، فقدان هویت است. در چنین بستری، پرداختن به مسئله «من، خود، خویشتن و هویت» نمی‌تواند به‌تنهایی مشکل‌گشای مسائل امروز باشد. زیرا شناخت ما از خود در رویارویی با دیگری شکل گرفته است. «من» به‌تنهایی نمی‌تواند موجد اثر باشد، ناگزیر باید «دیگری» نیز در تقابل با آن حضور یابد تا واجد مفهوم شود. توجه‌نکردن به مفهوم «دیگری» در معماری معاصر ما باعث شده است که درکی عمیق از «من» به‌مثابه امر بنیادین هویت‌محور حاصل نشود و عارضۀ چندپارگی و چهل‌تکه‌بودن در همه زمین‌ها و به ویژه معماری حادث شود.

هدف و روش تحقیق: این پژوهش در پی بررسی مفهوم «دیگری» در مواجهه با معماری است و سعی دارد به این پرسش پاسخ دهد که «معماری معاصر ایران از دیدگاه معماران و صاحب‌نظران چه «دیگری» هایی را برای خود متصور است و در تعامل با چه نیروهایی صورت‌بندی می‌شود؟». این تحقیق به لحاظ «ماهیت» پژوهش، از گونه تحقیقات «کیفی» و نوع داده‌بنیاد و، به لحاظ «قصد» از پژوهش، «تفسیری» است که شیوۀ مواجهه ما با «دیگری» را درک و بینش جدیدی تولید می‌کند. بدین ترتیب یافته‌های آن در بهبود دانش موجود درباره موضوع مورد مطالعه به کار می‌آید (دانش‌افزایی)، بنابراین «نتایج» آن «خالص» است. «منطق» پژوهش «استقرایی» بوده و روش تحلیل داده‌ها نیز شامل کدگذاری باز و کدگذاری محوری است.

نتیجه‌گیری: این پژوهش نشان می‌دهد که دیدگاه اغلب معماران ایرانی درمورد مفهوم «دیگری» را می‌توان در شش صورت «ایده‌های گذشته»، «مردم»، «اقتصاد»، «حکومت»، «معماری جهان» و «زمینه» دسته‌بندی کرد. **واژگان کلیدی:** خود، دیگری، معاصریت، معماری معاصر ایران، هویت.

مقدمه و بیان مسئله

دوگانه «من» و «دیگری» یکی از تعارض‌های اساسی در فهم بشر از جهان هستی است. روایت «من» یا «هویت» قدمتی به درازای تاریخ دارد و، آن گونه که از آموزه‌های پساساختارگرایانه برمی‌آید، هویت یا «کیستی من» در رویارویی با «دیگری» برساخته می‌شود. «انسان، برای

* این مقاله مستخرج از رسالۀ دکتری معماری سیده صدیقه میرگذار لنگرودی تحت عنوان «سویه‌های صورت‌بندی معماری معاصر ایران به میانجی مفهوم «دیگری»؛ نمونه موردی: بناهای عمومی شهر تهران (از سال ۱۳۵۷-۱۳۹۶ خورشیدی)» به راهنمایی دکتر ویدا نوروز برازجانی و مشاوره دکتر بهروز منصوری و دکتر محمد ضیمران تدوین شده است که در دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی در حال انجام است.
**نویسنده مسئول: Vid.Norouz_Borazjani@iauctb.ac.ir: ۰۹۱۲۱۷۵۲۲۶۸

برفی بوده است. نمونه‌گیری گلوله برفی روش نمونه‌گیری غیراحتمالی برای مواقعی است که واحدهای مورد مطالعه به راحتی قابل شناسایی نباشند. در این روش، آمارگیر پس از شناسایی یا انتخاب اولین واحد نمونه‌گیری آن را برای شناسایی و انتخاب دومین واحد نمونه‌گیری به کار می‌برد یا از آن بدین منظور کمک می‌گیرد. به همین ترتیب واحدهای دیگر نمونه شناسایی و انتخاب می‌شوند (Goodman, 1961, 148-170). در مجموع، تعداد مصاحبه‌ها با معماران به ۲۲ مصاحبه رسید. علاوه بر این تعداد چهار نفر از صاحب‌نظران انتخابی نیز تمایل به مصاحبه نداشتند و گفت‌وگو با باقی معماران انجام پذیرفت. در یک مورد نیز (آقای علیرضا تغابنی) مصاحبه حضوری صورت نگرفت و از سخنرانی‌ها و گفت‌وگوهای اخیر ایشان متن‌ها مستخرج شد. در ادامه، پس از مصاحبه با معماران، متن گفته‌ها پیاده و سپس تحلیل محتوای کیفی آن‌ها انجام شد. از میان کل مصاحبه‌های انجام‌پذیرفته، نیمی از آن‌ها، که از میان کدهای مطرح‌شده بیشترین تنوع را پوشش می‌داده‌اند، برای نمونه در این مقاله آورده شده است. داده‌های به‌دست‌آمده متنی در مرحله بعد، انتزاعی‌سازی و در قالب مفاهیمی مقوله‌بندی شد که «کدگذاری باز» نام دارد و سپس در گام بعدی با تجمیع مفاهیم مشابه در قالب مقوله‌های کلی‌تر، که «کدگذاری محوری» نامیده می‌شود، انتزاعی‌سازی دوم صورت گرفته است (تصویر ۱). در نهایت شش مقوله برای محتوای کلی سخن استخراج شد.

شایان ذکر است طبق اصول روش‌شناسی کیفی، کدگذاری و جمع‌آوری داده‌ها بر یکدیگر همپوشانی داشته است. واحد تحلیل محتوا در تحقیقات کیفی متفاوت است که در این پژوهش واحد تحلیل مضمون بوده است، یعنی هر بخشی از مصاحبه که مضمونی از جنس توضیح درمورد مفهوم «دیگری» داشته است و به چارچوب فهم معمار از «دیگری» اشاره کرده است به‌منزله یک واحد تحلیل بررسی شده است. بعد از انجام چند مصاحبه، مشخص شد که مفاهیم اصلی در حال تکرار شدن است و این روند ادامه داشت به طوری که، با ادامه مسیر و گفت‌وگو با نفر دهم، عملاً هیچ مضمون تازه‌ای که قابلیت کدگذاری جدیدی داشته باشد مشاهده نشد و به «اشباع نظری» رسیدیم (تصویر ۲).

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

بررسی پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که تاکنون پژوهشی پیرامون بازخوانی معماری معاصر ایران از دریچه مفهوم «دیگری» صورت نگرفته است. بنابراین پیشینه پژوهش را می‌توان به دو دسته تقسیم‌بندی کرد:

۱. پژوهش‌های متعددی که در سال‌های اخیر در زمینه

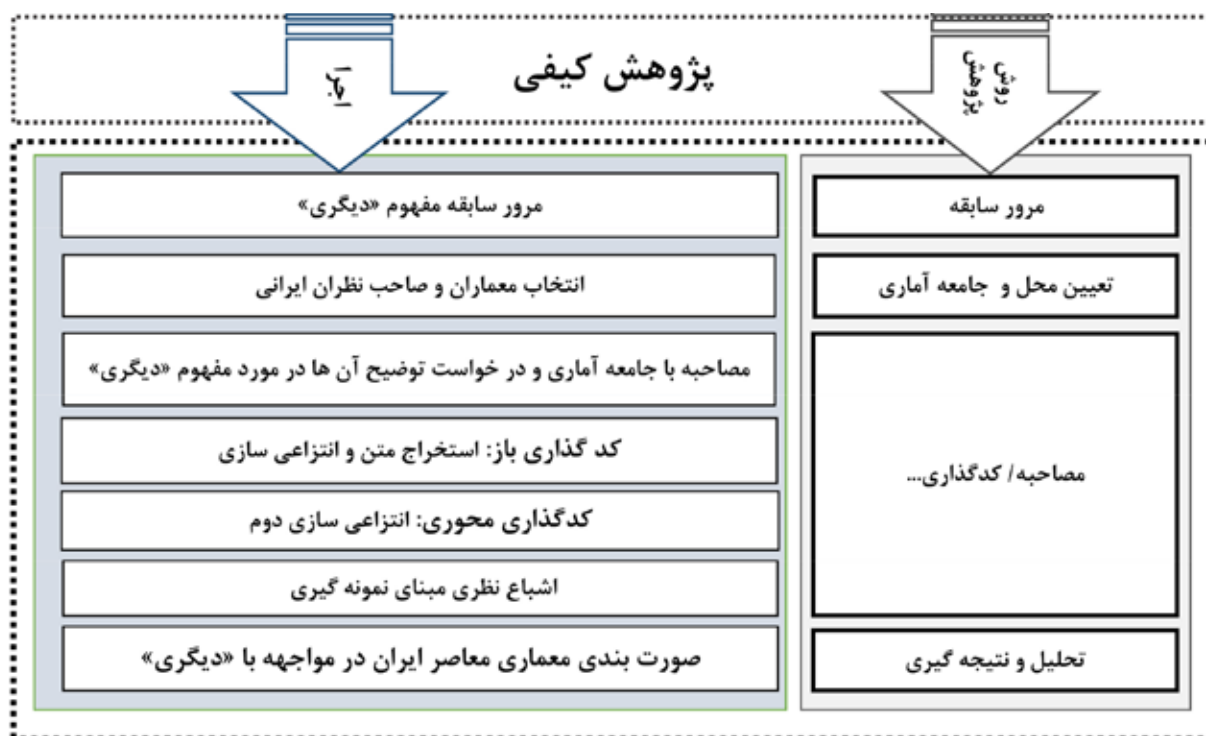
تفکیک خود از دیگری و یافتن شباهت‌ها و تفاوت‌ها جهت بر ساختن هویت خود، دست به مقایسه می‌زند، مقایسه‌ای که همواره با داوری نه‌چندان بی‌طرفانه‌ای همراه است» (فکوهی، ۱۳۸۱، ۲۲). در دوران معاصر، که می‌توان آن را عصر پست‌مدرن نام نهاد، پرسش از دیگری بیش از هر زمان دیگر در کانون توجه قرار گرفته است. زیرا جهانی‌سازی اقتصادی و اجتماعی از یک‌سو شیوه‌های مربوط به کنش متقابل میان افراد مختلف را تغییر داده است و از سوی دیگر این کنش‌های متقابل را در عرصه‌های گسترده‌تری موجب شده است. همین مواجهه‌های نوین و گسترده‌تر با دیگران سبب‌ساز مسئله‌مند شدن هویت و در موارد بسیاری سبب‌ساز بحران‌های هویت شده است (Treanor, 2006, 199). به دلیل همین مواجهه‌ها، شیوه‌های مرسوم و مانوس فهم از خود دیگر نمی‌توانند کارآمدی و کارکرد سابق را داشته باشند و در نتیجه پرسش از «دیگری» در کانون پرسش از هویت قرار می‌گیرد. به دیگر سخن، در توصیف وضعیت موجود معماری و شهرسازی ایران می‌توان از نوعی بحران سخن گفت و بر این موضوع صحنه نهاد که معماری امروز نقطه اتکای روشنی ندارد و میان گذشته و آینده معلق است و برای یافتن مسیر خود در تکاپوست. بنابراین این پژوهش به دنبال آن است که از چیستی و کیستی مفهوم «دیگری» پرسش کند و در پی تبیین «دیگری»‌هایی است که معماری معاصر در ایران را تعیین می‌بخشند. از همین رو سؤال اصلی پژوهش این است که معماری معاصر ایران در تعامل با چه نیروهایی صورت‌بندی می‌شود و چه «دیگری»‌هایی را برای خود متصور است؟ برای پاسخگویی به پرسش اصلی، این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ به این پرسش‌هاست که: «کدام «دیگری»‌ها معماری آرمانی سوژه‌ای به نام معمار ایرانی را تعیین می‌کنند؟ و این نیروها از چه سازوکارهایی بر معماری معاصر اثر می‌گذارند؟».

روش انجام پژوهش

این تحقیق به لحاظ «ماهیت» پژوهش از گونه تحقیقات «کیفی» و نوع داده‌بنیاد و به لحاظ «قصد» از پژوهش «تفسیری» است. بدین ترتیب یافته‌های آن در بهبود دانش موجود درباره موضوع مورد مطالعه به کار می‌آید (دانش‌افزایی)، و «نتایج» آن «خالص» و «منطق» پژوهش «استقرایی» است. بررسی مفهوم «دیگری» از جنس گزاره‌هایی ذهنی و تلویحی است و دسترسی به آن‌ها از طریق روش‌های کمی ممکن نبوده و نیازمند مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته است. برای یافتن پاسخ سؤال‌های پژوهش، ابتدا تعدادی از معماران به‌منزله نمونه‌های پژوهش برای مصاحبه انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری از نوع گلوله



تصویر ۱. کنش های مرحله کدگذاری داده های کیفی. مأخذ: نوروز برازجانی، ۱۳۹۷، ۲۶۲.



تصویر ۲. ساختار کلی پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

شده است. برای اندیشمندان خانه گزیده در مکتب پدیدارشناسی، دیگری همان خود و تجلی خود در امکانات هستی است و تنها از طریق دریافت و فهم دیگری است که امکان دریافت خود محقق خواهد شد. از سوی دیگر، اندیشمندان اگزیستانسیالیسم دیگری را به مثابه وجود و تقدم وجود بر ماهیت آن ها بازسازی می کنند. «لاکان» و «کریستوا» نیز در مقام روانکاو به دنبال تبیین دیگری از درخواست های ناخودآگاه انسانی و عملکرد زیستی-روانی آن از بدو تولد انسان ها هستند.

وضعیت دنیای معاصر بیرون و درون

• معاصریت^۱

«معاصر»، از جنبه تاریخی و آنچه میان اندیشمندان علوم و

«خوانش معماری معاصر ایران» انجام شده است از جنبه های گوناگون به موضوع پرداخته اند که به برخی از آن ها در **جدول ۱** و **۲** اشاره شده است. از جمع بندی پیشینه مطالعات موجود در حوزه معماری معاصر ایران چنین برمی آید که مفاهیمی چون ورود مدرنیته، انقطاع میان سنت و مدرنیته در ایران، جهانی شدن و بحران هویت از جمله عواملی هستند که، در نحوه مواجهه معماران با غیر، اثرگذار بوده اند.

۲. پیشینه مفهوم «دیگری»: جمع بندی دیدگاه های اندیشمندان در رابطه با مفهوم «دیگری» حاکی از آن است که خود و «دیگری» همواره برای فهم و بسط خویشتن به هم وابسته و هم عرض یکدیگرند. آنچه در این میان می تواند راه های تفسیر و تبیین «دیگری» را به مخاطره بیندازد فهم خود از «دیگری» و نحوه مواجهه با آن است. در **جدول ۳** به مفهوم «دیگری» از نگاه اندیشمندان علوم مختلف پرداخته

جدول ۱. بررسی پژوهش‌های پیشین در زمینه خوانش معماری معاصر ایران در سال‌های اخیر. مأخذ: نگارندگان.

صاحب نظر	اثر	تأکید
محسن حبیبی	شرح جریان‌های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر، با تأکید بر دوره زمانی ۱۳۵۷-۱۳۸۳	سه جریان فکری معماری و شهرسازی طی سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۸۰ وجود دارد: ۱. فرهنگ‌گرایی ۲. نوآوری ۳. فرانوآوری (حبیبی، ۱۳۵۸)
سیروس باور	نگاهی به پیدایی معماری نو در ایران	عصر سازندگی بعد از جنگ شامل دو بخش است. شهر تهران، به‌منزله کانون اصلی مدنیت نوین ایران، در آشوبی از التقاط و بی‌مایگی معماری و شهرسازی فرورفته است و اگر این وضع ادامه پیدا کند، بیشتر فرو خواهد رفت (باور، ۱۳۸۸)
ایرج اعتصام	معماری، هارمونی و جهانی‌شدن. در: اندیشه معماران معاصر ایران	معماری کنونی را متأثر از جهانی‌شدن معماری می‌داند. در جهانی‌شدن اول «اصالت کشورها»، در جهانی‌شدن دوم «اصالت شرکت‌ها» و در شرایط امروز «اصالت فرد» مطرح می‌شود (اعتصام، ۱۳۹۸)
علی اکبر صارمی	تاروپود و هنوز: سرگذشت من و معماری ما	دکتر صارمی در این کتاب دوران پس از انقلاب را برحسب سه اتفاق مهم دسته‌بندی می‌کند: نخست، جست‌وجو برای یافتن هویت ایران و اسلامی مقارن با دوران تاریخ‌گرایی پست‌مدرن در اروپا؛ دوم، بعد از جنگ ایران و عراق، به‌غلط یا به‌درست «دوران سازندگی»، نوسانات قیمت، زمین به‌منزله سرمایه و ذخیره؛ سوم، طبقه جدیدی در کسوت تولیدکنندگان مسکن، اصطلاحاً «بسازوبفروش‌ها» (صارمی، ۱۳۹۸)
منصور فلامکی	گسستگی‌ها و دشواری‌های معماری سنتی و معماری امروزی ایران. در: گستره‌های معماری	مشکل ما در طرح و مسئله و تدوین و روش نگرستن به این معضل است و نه در انتخابی که باید میان معماری سنتی و معماری نو صورت گیرد. از نظر او، مدل‌های تجربه‌شده در فضای اجتماعی و فرهنگی سایر کشورها را نمی‌توان بدون گذراندن آن‌ها از نظام ارزشی - فرهنگی کشورمان به‌کار برد (فلامکی، ۱۳۹۸ الف)
منصور فلامکی	ریشه‌ها و گرایش‌های معماری معاصر ایران. در: گستره‌های معماری	تنها شهرهای کشور ما نیستند که در بحران به‌سر می‌برند و باید مصیبت‌زده قلمداد شوند. سه چشم‌انداز اصلی‌ای که معماری معاصر ایران پشت سر دارد عبارت است از ۱. معماری کهن و سنتی ایران؛ ۲. معماری و شهرسازی اروپای مرکزی؛ ۳. سلسله تجارب «نهضت معماری مدرن» (فلامکی، ۱۳۹۸ ب)
امیر بانی مسعود	معماری معاصر ایران: در تکاپوی بین سنت و مدرنیته	شرح حال معماران و ساختمان‌های مهم از ابتدای عصر قاجاریه تا کنون بررسی شده است و گرایش‌های معماری بعد از انقلاب اسلامی را در هشت گروه به‌صورت شماتیک دسته‌بندی می‌کند (بانی مسعود، ۱۳۹۰)
وحید قبادیان	سیک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران	این کتاب در سه بخش تدوین شده است. هر بخش مربوط به یک عصر تاریخی است، عصر قاجاریه، عصر پهلوی و جمهوری اسلامی. در هر دوره ابتدا وقایع تاریخی و در پی آن تحولات شهرسازی و نهایتاً معماری آن دوره شرح داده و تحلیل شده است (قبادیان، ۱۳۹۲)
فرخ باور	مرکز ثقل حافظه تاریخی. در: اندیشه معماران معاصر ایران، ج. ۳	انقطاعی که بین سنت و مدرنیته در ایران به‌وجود آمده در تمدن‌های کهن کشورهای دیگر رخ نداده است و نمی‌توان تداومی را که در معماری آن‌ها وجود دارد در معماری خودمان پیدا کنیم (باور، ۱۳۹۳)
حمیدرضا انصاری	تحلیلی بر معماری معاصر ایران	این کتاب تحلیلی است بر معماری معاصر ایران از زمان قاجار تا عصر حاضر که سعی دارد در معماری ایران از منظر نحوه مواجهه با غرب کاوش و تأمل کند (انصاری، ۱۳۹۵)
اسکندر مختاری	میراث معماری مدرن در ایران	در این کتاب شرح و توصیف ساختمان‌های عصر پهلوی و جمهوری اسلامی ذکر شده است. مسائل حفاظت و مرمت این بناها نیز در انتهای کتاب بحث شده است (مختاری، ۱۳۶۹)

دوران معاصر» معنایی فراتر از قرن معاصر را نیز در ذهن و منظر محققان داشته است. به‌عبارت‌دیگر «معماری قرن بیستم» از لحاظ بار معنایی همان معماری دوران معاصر ماست (۱۹۰۰ تا به امروز مطابق با ۱۲۸۱ تا به امروز) (مختاری، ۱۳۹۶، ۲۷۶).

تحقیق اتفاق قراردادی است، دوره ۱۵۰ تا ۲۰۰ سال اخیر را در بر می‌گیرد (کیانی، ۱۳۸۵، ۴). دوران معاصر را با دو قرن اخیر نیز هم‌معنا دانسته‌اند و، درمورد معماری دوران معاصر ایران، برخی از محققان معماری دوران مشروطه به بعد را در نظر داشته‌اند، اما در بررسی کلی، عنوان «معماری

جدول ۲. بررسی برخی از پژوهش‌های پیشین غیرفارسی در زمینه خوانش معماری معاصر ایران در سال‌های اخیر. مأخذ: نگارندگان.

صاحب نظر	اثر	تأکید
داراب دیبا و مزین دهباشی	Trends in Modern Iranian Architecture	جریان معماری مدرن در ایران (Diba & Dehbashi, 2004)
سانره ذبیحی	Evaluating the Effects of Modern Movement on Contemporary Residential Buildings in Iran's Capital City, Tehran	بررسی تحولات پس از ورود مدرنیته به ایران (Zabihi, 2010)
سعید حقیر	Les Sources de L'Architecture Contemporaine en Iran (depuis la revolution islamique 1979)	کتاب سرچشمه معماری معاصر در ایران، نگاهی جامع و نظام‌مند به معماری معاصر ایران پس از انقلاب اسلامی دارد (Haghir, 2010)
محمدجواد مهدوی نژاد، آمنه درودگر و عبدالباقی مرادچله	The Impacts of Revivalist Trends on the Contemporary Architecture of Iran (1977-2011)	رویدادهای معماری معاصر ایران پس از انقلاب، بررسی هویت معماری ایران (Mahdavejrad, Doroudgar and Moradchelleh, 2012)
فرشاد فرهی	World of Similitude: The Metamorphosis of Iranian Architecture	دگرپسایی معماری از دوران باستان تا به امروز، لایه‌های مختلف معنایی، همزمانی با جنبش معماری پست‌مدرن با انقلاب اسلامی ایران و شعار «بازگشت به ریشه و اصل»، «دنیای تمثیلی» جدید (Farrahi, 2012)
سارا حمزه‌لو، ایرج اعتصام و آزاده شاهچراغی	The Evolution of the Tendencies of Contemporary Architecture of Iran in Confronting with the Globalization Phenomenon and the Emergence of Information and Communications Technology	بحران هویت، پدیده جهانی‌سازی، چالش‌های معماری معاصر ایران (Hamzehloo, Etesam & Shahcheraghi, 2015)

جدول ۳. مفهوم «دیگری» از دیدگاه صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف. مأخذ: نگارندگان.

مکتب	صاحب نظر	دیدگاه اندیشمند به مفهوم «دیگری»
پدیدارشناسی	هگل	پیکار خود و دیگری برای شناخت متقابل (دیگری را باید موجودی همانند خود پذیرفت) نزاع بر سر بردگی و سروری شکل می‌گیرد (هگل، ۱۳۸۷)
	هوسرل	من دیگری را درک می‌کنم و دیگری مرا (دیگری بازتاب من است درحالی‌که نیست) دیگری ضامنی برای وجود اندیشه و تفکر من است (هوسرل، ۱۳۸۶)
	هایدگر	دازاین به معنای وجودداشتن در کنار دیگری است. دازاین در حال زیست با سایر دازاین‌هاست. فرد منتشر اصالت دازاین را تهدید می‌کند (مقدوری و مصطفوی، ۱۳۹۴)
	مرلوپونتی	در پیوند با مفهوم با-هم-بودن هایدگر، موجودات آگاه دیگری من در تجربه جهان مشترک‌اند. در-جهان-بودن با دیالوگ محقق می‌شود، دیالوگ با دیگری متفاوت (پریموزیک، ۱۳۸۷)
	لویناس	خداوند دیگری هستی است و برای رفتن به سوی خدا باید به سوی دیگری رفت. هستی سوژه مستلزم هستی دیگری است. در برابر دیگری یک مسئولیت اخلاقی داریم (جهاننگلو، ۱۳۸۴؛ ضمیران، ۱۳۸۹)
اگر بیست‌ساله‌سیم	کارل یاسپرس	هستی در گرو هستی با دیگران است. برای ایجاد من نیاز به غیر است. انسان کامل در ارتباط با دیگری شکل می‌گیرد (یاسپرس، ۱۳۸۳)
	ژان پل سارتر	رودررویی و دیدار با دیگری-ستیزی شکل می‌گیرد و باید خود را از بند دیگری رها کرد، زیرا آزادی مهم‌تر است (ضمیران، ۱۳۸۹)
	سیمون دوپووار	مرد سوژه است و زن دیگری، در فرهنگ مردسالارانه زن بی‌مصرف است (شاهمیری، ۱۳۸۹)
روانکاوی	گابریل مارسل	دو شرط برای امکان خود و دیگری وجود دارد: تعهد و در دسترس بودن حضور. نباید تو تبدیل به آن شود (مقدوری و مصطفوی، ۱۳۹۴)
	زاک لاکان	ایجاد دیگری دلالت روانکاوانه دارد. از ابتدای تولد شکل می‌گیرد (ضمیران، ۱۳۸۹). لاکان، نشانه «دیگری» را در مناسبت محورزایانه یا «دال» در عرصه ناخودآگاه تلقی کرده است. در نظر او، وضعیت وسواسی فرد همواره نشان از «دیگری» دارد (Van Pelt, 2000). آنچه به نیازهای زیستی فرد تعلق می‌گیرد عبارت است از جدایی‌ناپذیری از تحولات عارض‌شده در تمنای انسان برای علاقه و به رسمیت‌شناختن دیگران. میل و تمنا عبارت است از میل و تمنای «دیگری» و آن «دیگری» نقش تعیین‌کننده‌ای در جامعه‌پذیری فرد پیدا می‌کند (Sharp, 2002)
ژولیا کریستوا	یکی از ریشه‌های دیگری در ملی‌گرایی است و ملت‌های بدون ملی‌گرایی می‌تواند دوای درد باشد (مک‌آفی، ۱۳۹۲)	

تحولات اجتماعی و سیاسی ایران مؤثر بود. رویکرد به غرب در جریان معماری معاصر ایران ثمره رویکردی فرهنگی است و جریان معماری مدرن در ایران نتیجه زمینه‌ای است که بر مبنای این رویکرد فراهم آمد (همان: ۲۳۶). در سال‌های اولیه پس از انقلاب، عطف توجه به مفاهیم معماری و شهر اسلامی و نیز چگونگی بازگشت به هویت معماری مسئله‌ای است که ذهن صاحب‌نظران را به خود مشغول می‌کند و هدایت معماری ایران به سوی معماری‌ای با هویت مستقل و متکی بر میراث معماری ایرانی و اسلامی محور گفتمان مسلط می‌شود (حبیبی، ۱۳۸۵، ۵۲-۵۳). سه گرایش عمده در معماری ایران پس از انقلاب اسلامی وجود دارد: برداشتی جدید از الگوهای معماری قدیم ایران شامل مفاهیمی مانند اسطوره، مضامین و خاطره‌های فرهنگی؛ و گرایش به استفاده از تکنولوژی روزآمد (مهدوی‌نژاد، بمانیان و خاکسار، ۱۳۸۹: ۲۱-۲۲).

معماری معاصر ایران و بحران هویت

بحران هویت مدرن در کشورهایی مانند ایران با آن سابقه تاریخی و وجود پاره‌فرهنگ‌های قومی و ملی بغرنج‌تر هم می‌شود. علاوه بر آن، سرعت ارتباطات اجازه هیچ مقدمه‌چینی‌ای به مدرنیته نمی‌دهد، به صورت انقلابی همه‌چیز را عوض می‌کند و یک‌شبه ره صدساله می‌پیماید (قطبی، ۱۳۸۷، ۸۰). بدین ترتیب، علاوه بر وجود هم‌زمان عناصر دوران سنت و مدرن در جامعه ایران، جامعه ما در عصر جهانی شدن و از بین رفتن مرزها تحت تأثیر رویکرد پست‌مدرنیسم قرار می‌گیرد، در حالی که پارادایم فرهنگی ایران، در مواجهه با مدرنیته و مدرنیسم و همچنین بر اثر ضعف‌های درونی، دچار بحران کارآمدی شده است، معماری نیز مانند دیگر اعضای منظومه فرهنگ ایرانی دچار سرگشتگی و بحران هویت می‌شود (شهبازی چگنی، دادخواه و معینی، ۱۳۹۳: ۱۲۲). معماری ایران، در پرتو فناوری اطلاعات و ارتباطات جهانی، امکانات و محیطی را فراهم کرده که در آن، به‌علت دگردیسی معماری از دوران باستان تا به امروز، لایه‌های مختلف معنایی به دنیای متفاوتی از معنا و خیال، فراتر از دیدگاه محدود معماری معاصر ایران، تبدیل شده است (Farahi, 2012, 61). در اوایل دهه ۱۹۸۰، جنبش معماری پست‌مدرن با انقلاب اسلامی ایران و شعار «بازگشت به ریشه و اصل»، که در بیش از یک دهه در معماری ایران رایج بود، هم‌زمان و مقارن شد. اگرچه این وضعیت اجتماعی-سیاسی فرصتی منحصر به فرد برای معماری ایران ایجاد کرد که «دنیای تمثیلی» جدیدی به عرصه معماری جهانی ارائه کند، اما تا به امروز معماری معاصر ایران به‌درستی تئوری و تکنیک خود را ایجاد نکرده و از آن استفاده نکرده است و شرایطی را فراهم نیاورده است که بتواند به جنبش معماری

• تحولات و انگاره‌های معاصر برونی (جهانی)

عصر حاضر، با ورود به دنیای صنعت و پدیده جهانی شدن، دچار تغییرات اساسی در جنبه‌های مختلف فرهنگی، علمی، فناورانه، اقتصادی، سیاسی، زیست‌محیطی شده است. این تغییرات حتی در زندگی و هویت فردی مردم اثرگذار است (کاستلز، ۱۳۸۰). شکل‌گیری دولت‌های مدرن و تکوین سرمایه‌داری سبب شد رابطه معماری و قدرت سیاسی ابعاد جدید و پیچیده‌تری یابد و شهرها به‌مثابه مدلی برای حکومت دولت‌ها در قلمروشان و هم‌چون نمادی از عقلانیت حکومتی دانسته شوند (عسگری، ۱۳۹۶، ۴۱-۴۵). معماری مدرن، با آغاز از مسائل خاص خودش، توانست موقعیتی ایدئولوژیک بیافریند تا طراحی در تمام سطوح را با پروژه‌های فراگیر معطوف به سازمان‌دهی مجدد تولید، توزیع و مصرف در شهر سرمایه‌داری درآمیزد. از اواسط دهه ۱۹۹۰ پست‌مدرنیسم، در قالب ساختارگرایی و پسا‌ساختارگرایی به‌مثابه حیطه‌هایی از مطالعات دانشگاهی، به‌موازات جرقه‌های جهانی شدن پدیدار و در قالب تعبیری چون مدرن و پست‌مدرن بیان شد. گفتنی است که پسا‌ساختارگرایی در دل پست‌مدرنیسم گونه‌ای شرایط نوظهور را مورد توجه قرارداد که در گستره آن گفتمان تردید، تشکیک، بی‌اعتقادی و ناباوری به فراروایت‌های بی‌سابقه‌ای دامن زد. می‌توان گفت تاریخ روایتی چندلایه در دوران کنونی ماست. شرایط پست‌مدرن هم‌زمان متضمن ویژگی‌های سنتی، مدرن و پست‌مدرن است (گیبیز و بوریمیر، ۱۳۶۰، ۱۹).

• تحولات و انگاره‌های معاصر درونی (ایران)

انسان ایرانی پس از ورود مدرنیته با حیرت و شگفتی در برابر پیشرفت‌های غربی، که بر اثر شکست‌های متعدد ایران از روسیه ایجاد شده بود، قرار گرفت و دچار نوعی از خودباختگی شد. ورود مدرنیته ما را با وجدانی رودررو کرد که میان سنت و مدرنیته دوپاره شده بود و حال این وجدان سنتی ایرانی است در برابر جریان جهانی شدن امور (جهانبگلو، ۱۳۸۷). دهه ۱۲۹۰ ق. دوران اوج تجددگرایی در معماری است، به‌طوری‌که برخی محققان آن را زمان آغاز دوره غرب‌گرایی در تاریخ معماری ایران فرض کرده‌اند. این سبک از معماری در دوران آغاز مدرن به‌طور کامل پیوند خود را با گذشته تاریخی قطع می‌کند و روند جاری معماری در ایران را سبب می‌شود (مختاری، ۱۳۹۶، ۲۴). دو دهه بعد از آن، یعنی آغاز قرن معاصر (۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰)، را باید سال‌های وقوع تحولات بنیادی در تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران به‌حساب آورد. تغییر نظام حکومتی از خاندان قاجار به خاندان پهلوی از عمده‌ترین جلوه‌های این تحول است. ناگفته پیداست که پیشرفت‌های شتابان غرب در زمینه‌های فنی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی، به‌منزله عامل اصلی تحرک، در توسعه

مشابهت^۶ و مغایرت^۷ اساس «هویت» و «غیریت» را تشکیل می‌دهد، بنابراین دیگری در قالب مفهوم و مقوله تفاوت و مغایرت تعریف می‌شود. این وجه از شکل‌گیری مفهوم هویت و تعلق اجتماعی ریشه در مقایسه خود با دیگری دارد (Zevallos, 2011).

• برخی از خرده‌روایت‌ها در چارچوب «دیگری»

اگر مدرنیسم را عصر ایدئولوژی‌آفرینی بپنداریم، پست‌مدرنیسم عصر پایان ایدئولوژی تلقی می‌شود. پست‌مدرنیسم بر این باور است که مقولاتی چون تکثر و خوانش‌های چندگانه و نیز جامعه کثرت‌گرا به‌طور کلی متضمن روایت‌های خردی است که قهرآ جانشین ابرروایت‌ها خواهند شد. پست‌مدرنیسم به‌طور کلی هویت‌های ثابت و پایدار را برنمی‌تابد، بلکه بر مقوله کثرت در هویت‌ها تأکید می‌ورزد. از این‌رو جهان، پس از سپری شدن عصر مدرن، ساحت کثرت خواهد بود و انسان پست‌مدرن خود را از فروافتادن در بن‌بست تصلب و ثبات‌جویی رها می‌کند. به‌تعبیر پست‌مدرن، هویت متضمن خویشتن خویش است. این دیدگاه، جهان را در گستره دیگری یا غیریت تبیین می‌کند (مهدوی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۱۶). فراروایت در نگاه مدرن داستانی است که مبنای مناسبات اسطوره‌ای را جانشین حقایق متکثر می‌کند. در چنین فراروایت‌هایی، فلسفه، سیاست، الهیات، فرهنگ، هنر، ادبیات و نظریه‌های اجتماعی و فرهنگی، نقد و نظریه ادبی و سایر بخش‌های علوم انسانی و اجتماعی در هم فرومی‌ریزد و منظومه‌ای شگفت‌انگیز را به مخاطب عرضه می‌کند (نوذری، ۱۳۷۹، ۸۲). ژان فرانسوا لیوتار^۸ در تحلیل نظریه‌های خود بارها از تعبیر «روایت‌های بزرگ» یاد کرده است (مزروعی و کمال‌غریبی مفرد، ۱۳۹۳، ۱۲۲). او، با استقبال از نظریه بازی‌های زبانی، از آموزه کوهن در فلسفه علم بهره می‌جوید. کوهن پارادایم‌های علمی را قیاس‌ناپذیر می‌داند (Kuhn, 1970, 34). جامعه به‌نظر لیوتار مرکب از حوزه‌های گوناگون و فعالیت‌های متنوعی است که هیچ قانون و معیار عامی بر آن‌ها حاکم نیست. در جامعه پسامدرن هیچ روایت بزرگی یافت نمی‌شود و پذیرش هر چشم‌اندازی نزد افراد در چنین جامعه‌ای تابع دلایلی فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و سیاسی است و لذا از نظر عقلی توجیه‌پذیر نیست، زیرا هیچ چشم‌اندازی نمی‌تواند بر چشم‌انداز دیگر ترجیح داشته باشد (قمی، ۱۳۸۴، ۶۵).

• «دیگری»، چندزبانی و دگرگونی‌های هویت اجتماعی

رهایی بازی‌های زبانی از قید فراروایت‌ها در عصر حاضر به مسئله دانش و پژوهش منحصر نمی‌شود، بلکه هویت‌های اجتماعی نیز در این چارچوب دگرگون می‌شوند و، با متروک شدن فراروایت‌ها، سوزده‌های انسانی از قید مرزهای یکسان‌کننده دیرین‌هایی می‌یابند و بدین ترتیب هویت‌های فردی در طیف‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، سیاسی،

پویایی منجر شود (Ibid, 59).

انتقاد از وضع موجود معماری و شهرسازی در دهه‌های اخیر چنان گسترده بوده که طیف وسیعی از معماران، شهرسازان، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، هنرمندان و دیگر اندیشمندان را هم به انتقاد از آن واداشته است. برخی از نقدها و نظرها در جدول ۴ جمع‌آوری شده است.

جدا از بحث ابراز ناراضی، با واکاوی ریشه‌های شرایط به‌وجود آمده، برخی منتقدان علت را در این می‌بینند که در مقابل رویکرد سنتی معماری، معماری معاصر برای خود الزامی برای رعایت هنجارها و توجه به پشتیبان‌های فرهنگی نمی‌بیند و گرفتار از خودبیگانگی مزمن بوده و پیوسته در تلاش برای خلق آثاری متفاوت و دیگرگونه است (معظمی، ۱۳۸۶، ۹). منتقدانی نیز به مصداق‌های عینی آشفتگی‌ها اشاره می‌کنند و معتقدند نشناختن فلسفه سبک‌های رایج غرب و تنها بسنده کردن به تقلید ناسنجیده و ابتدایی و غیرحرفه‌ای از اشکال صوری و اصول فرمال در استفاده از معماری رایج غرب تأکیدی بر ضعف شخصیتی معماری ماست (زرجدیان، ۱۳۸۲: ۴۹). البته نوعی خوش‌بینی منفعلانه نیز در میان صاحب‌نظران در ایران نسبت به کثرت‌گرایی و تکثر دیده می‌شود.

• هویت در میانه خود و «دیگری»

یکی از مفاهیم کلیدی در بحث از «دیگری» این‌همانی یا هویت^۹ است. نظریه‌پردازان مدرن زبان معتقدند هویت «برساخته‌ای اجتماعی» و محصول منازعه معنایی و بازنمایی‌ها (استفاده از زبان برای تولید معنا) است. به دیگر سخن، هویت همواره به روابطی بستگی دارد که میان واژگان مختلف درون یک نظام معنا‌دار برقرار است. برای مثال از نظر سوسور این تفاوت بین شب و روز است که امکان معنا‌دار شدن (دلالت‌کردن) این کلمات را فراهم می‌آورد. بامن^{۱۰} نیز معتقد است که هویت، متضمن ثنویت و دوگانگی‌هاست. برای مثال، زن دیگری مرد است، حیوان دیگری انسان است (Bauman, 1991, 8). غیریت‌سازی یکی از کارکردهای اصلی بازنمایی (استفاده از زبان) بوده و «دیگری» همواره محصول بازنمایی است. به دیگر سخن، هویت در عرصه عمومی و سیاسی اساساً مسئله‌ای انفرادی، شخصی و روانی نبوده بلکه پدیده‌ای جمعی است که به بنیان‌های فرهنگی و تاریخی و اعتقادی جامعه نیز مربوط می‌شود و زبان ابزاری برای تولید معنا و برجسته‌سازی یک هویت و طرد هویتی دیگر می‌شود (اکوانی، ۱۳۹۱، ۳۱). هربرت مید^{۱۱} در کتاب ذهن، خود و جامعه^{۱۲} یادآور شد که هویت‌های اجتماعی از طریق کنش و واکنش با «دیگر» اصناف و طبقات و قومیت‌ها شکل می‌گیرد و از این‌رو، هرگاه ما درمورد وجود خویش تفکر می‌کنیم، معمولاً خود را با دیگری قیاس می‌کنیم. ایده

جدول ۴. بسط معماری امروز ما از دیدگاه برخی صاحب‌نظران. مأخذ: نگارندگان.

صاحب‌نظر	بسط معماری امروز ما
نادر اردلان	هنوز به خود نیامده، عاری از نوآوری و شور فضایی و ساختاری و نمادین، تکرار صورت‌های شناخته‌شده گذشته همراه با تأکید بیش از حد بر تزیینات برای پوشاندن بی‌اصولی خود، و در غفلت از امکانات تلفیق نوآورانه سنت و تکنولوژی معاصر جهان (هاشمی، ۱۳۷۴، ۴۴-۴۵)
سیدمحمد بهشتی	مانند ارکستری متشکل از مهندسی زمین‌بازی، بسازوبندازی، ناپایداری، بی‌اعتنایی به نابودی ثروت ملی، مداخله و تجاوز به عنف طبیعت که همه سازشان باهم کوک شده است و هر زمان گوش‌ها از صدای نابه‌هنجار آن به فریاد می‌آیند (بهشتی، ۱۳۸۵، ۱۹)
محمدکریم پیرنیا	از زیر آوار خودباختگی فرودآمده در عصر قاجار سربلند نکرده است (هاشمی، ۱۳۷۴، ۴۴-۴۵)
محمود توسلی	سرگردان (همان)
یعقوب دانشدوست	وارث گسست یک‌صد ساله، سرگردان، هر روز به سوی نگران، بی‌بهره از فرهنگ ایرانی و مقلد (همان)
داراب دیبا	بی‌هویت و فاقد روح فرهنگی و معنوی گذشته (همان)
محمدرضا حائری	نه معماری که گونه بی‌رویی از ساختمان‌سازی، بی‌اعتنا به ادراک فضایی و دستاوردهای معماری مدرن و درعین‌حال در غفلت از ادراک فضایی معماری گذشته (همان)
عیسی حجت	متفاوت از قبل، اصالت‌دادن به تفاوت با داشتن هویت پایدار در تضاد است (حجت، ۱۳۸۴، ۵۵)
حسین سلطانه‌زاده	فاقد منزلت در میان مردم، مواجه با تنزل ارزش‌های زیباشناختی به سطح «مد» و دچار ضعف پژوهش جدی و اساسی (هاشمی، ۱۳۷۴، ۴۴-۴۵)
علی‌اکبر صارمی	احساسی مشترک برآمده از آنها را به‌ویژه درباره توسعه‌های جدیدشان بیان می‌کند. بدین مضمون که آن‌ها، به‌گونه‌ای مشابه هم، در حال رشد، از زمین کنده‌شدن و ارتفاع‌گرفتن هستند (صارمی، ۱۳۸۲: ۲۲)
محمدامین میرفندرسکی	ادامه تقلید معماری‌های «مد روز» جهانی و عاری از ایده و ارزش (هاشمی، ۱۳۷۴، ۴۴-۴۵)
سیده‌ادی میرمیران	متوسط‌الحال و تقلید ناموفق سبک‌های جهانی است (همان)

از آرای لکان، باختین و کریستوا برمی‌آید آن است که سوژه انسانی و مرزهای فهم او از خویشتن نه در شرایطی منزوی و انتزاعی، بلکه تنها در تقابلی دیالکتیکی با دیگری ممکن می‌شود. این فهم از خویشتن، که می‌توان آن را در قالب مفهوم هویت بازشناسی کرد، در این چارچوب‌های نظری انسجام مفهومی خود را همچون کلان‌روایت از دست می‌دهد و در شبکه متکثری از خرده‌روایت‌های «دیگری» شکسته می‌شود (تصویر ۳).

بحث

• «دیگری» در معماری معاصر ایران از دیدگاه معماران هویت پدیده مفهومی خودآگاهانه‌ای نیست، بلکه نیازمند نگاه بیرونی و درک مخاطب است. بر این مبنا، معماری معاصر مستلزم برداشت اصول و تطبیق آن با مصالح، عادات، اقلیم و سنت‌هاست که معماری را با شرایط و هویت محلی تطبیق می‌دهد. ویژگی دیگر هویت کثرت‌گرا بودن آن است. به این مفهوم که هویت جلوه‌های بسیار زیادی دارد و نمی‌توان جوابی مشخص را برای آن در نظر گرفت (Correa, 1983, 10-98). برای دستیابی به دیدگاه معماران و صاحب‌نظران در زمینه مفهوم «دیگری» مصاحبه‌ها، همان

اخلاقی و اقتصادی متبلور می‌شوند و از این رو ماهیتی متکثر به خود می‌گیرند.

ژاک لکان در قرن بیستم، ضمن بررسی غیریت و دگربودگی، نشانه‌شناسی «دیگری» را در مناسبتی محورزدایانه و مبتنی بر دال‌ها^{۱۰} در گستره ناخودآگاه تبیین کرد (Van Pelt, 2000) و آن را با محورزدایی از سوژه مرتبط ساخت. اشاره مهم لکان به «نظریه بازی»^{۱۱} در این گستره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا نظریه بازی دقیقاً متضمن تلاشی است برای رسمیت‌بخشیدن به امکان فرد در شرایط خاص او. از دیدگاه او «میل و تمنا عبارت است از میل و تمنا «دیگری» و آن «دیگری» نقش تعیین‌کننده‌ای در جامعه‌پذیری^{۱۲} فرد ایفا می‌کند» (Sharp, 2002). ژولیا کریستوا^{۱۳} نخستین بار در مقاله کلمه، گفت‌وگو، رمان^{۱۴}، در بررسی آرای لکان و باختین، اصطلاح «میان‌متنیت» را وارد عرصه نقد و نظریه‌های ادبی کرد (آلن، ۱۳۹۲) و با طرح واژه میان‌متنیت بر آن بود تا سنتزی از جدل میان نشانه‌شناسی ساختارگرای سوسور و تخیل مکالمه‌ای (گفت‌وگویی) باختین به‌وجود آورد (Holquist, 1990). به زعم او، ما همه به‌مثابه موجودات سخن‌گو سوژه‌هایی در فرایندهای نشانه‌ای و نمادین هستیم و نظام‌های بازی به‌شمار می‌آییم (مک‌آفی، ۱۳۹۲، ۱۹۲). آنچه

<ul style="list-style-type: none"> ارزیابی خود و هویت تمایل یعنی تمایل دیگری و نقش تعیین کننده «دیگری» در جامعه پذیری فرد تلقی نمودن نشانه‌ی «دیگری» در مناسبت محور دایانه یا دال در عرصه‌ی ناخودآگاه نظریه‌ی بازی: تلاشی در جهت رسمیت یافتن امکان فرد در وضعیت‌های خاص: تصمیم فرد در خصوص آن چه می‌خواهد، متکی به تصمیم «دیگری» 	<p>دیگری (other)</p>	<p>ژاک لکان</p>
<ul style="list-style-type: none"> سنتزی از جدل میان نشانه‌شناسی ساختارگرای سوسور و تخیل مکالمه‌ای (گفتگویی) باختین همه به عنوان موجودات سخن گو سوزه‌هایی در فرایندهای نشانه‌ای و نمادین و نظام‌های بازی تولید و بازتولید شدن ما به واسطه‌ی روابط مان با دیگران آفریدن و بازآفرینی خودمان با آفرینش‌های ادبی و زیباشناختیمان 	<p>خرده روایت میان‌متنیت (Intertextuality)</p>	<p>ژان فرانسوا لیوتار</p>
<ul style="list-style-type: none"> تمام اعمال و رفتار انسان را در گروه رابطه با «دیگری» دنیا بدون حضور «دیگری» بی‌معنا و بی‌اهمیت «من» به تنهایی بدون هیچ‌کنشی آغاز اجتماع با حضور شخص دوم 	<p>چند آوایی (Polyphony) و بین‌الذهانیت یا دیگری</p>	<p>میخائیل باختین</p>
<p>سوزه انسانی و مرزهای فهم او از خویشتن، نه در شرایطی منزوی و انتزاعی بلکه تنها در تقابلی دیالکتیکی با «دیگری» ممکن می‌شود. این فهم از خویشتن، که می‌توان آن را در قالب مفهوم هویت بازشناسی کرد، در این چارچوب‌های نظری انسجام مفهومی خود را همچون یک «کلان روایت» از دست می‌دهد و در شبکه متکثری از «خرده روایت‌های دیگری» شکسته می‌شود.</p>		

تصویر ۳. نمودار تحلیلی آرا و نظریات ژاک لکان، لیوتار و باختین و ارتباط این آرا با مفاهیم «دیگری» و «چندزبانی». مأخذ: نگارندگان.

به همین روی، نگارندگان با تکیه بر اهمیت صورت تقابلی هویت و غیریت یا دیگری در پی آن‌اند که با طرح پرسش راه را بر تعمق بیشتر در عرصه تقابلهای دوتایی به‌ویژه نسبت ما معماران معاصر ایران با معماری مدرن غرب هموار کنند و شاید همین پرسش اساسی متغیرهای گوناگونی را که در تراکنش میان هویت ما معماران ایرانی و غیریت ناشی از معماران مدرن غرب حاصل می‌شوند برای ما وضوح بخشند و راه را بر پژوهش‌های دیگر بکشایند. به نظر نگارندگان، مطالعه جنبش‌های اخیر چون ساختارگرایی و پسا ساختارگرایی از سوی معماران شاید معماهای لاینحل موجود در فهم بحران کنونی معماری این سرزمین را بازتیین کند و زمینه حل آن‌ها را فراهم آورد. در پاسخ به پرسش‌های پژوهش، جمع‌بندی مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که گرچه نام‌گذاری‌های ذهنی متفاوتی بر مضمون حاضر یعنی دیگری مترتب است، فهم موقعیت معاصر معماری در ایران برای معماران مطرح‌شده به میانجی مضمون «دیگری» قابل‌صورت‌بندی است و، باوجود تمام اختلاف‌نظرها در زبان و نام‌گذاری، این فهم از سرچشمه مشترکی جوشیده و در نهایت قابل‌تیین است. بدین ترتیب که وجوه مشترکی از کدگذاری محوری پژوهش فراچنگ آمده است و در شش صورت نهایی «ایده‌های گذشته»، «مردم»، «اقتصاد»، «حکومت»، «معماری جهان»، «زمینه» دسته‌بندی شده‌اند (تصویر ۴). در پاسخ پرسش دوم، رسته‌هایی استخراج شدند که ذیل دسته‌بندی اصلی قرار می‌گیرند و این نیروها

طور که در روش پژوهش توضیح داده شد، صورت پذیرفت و در جدول‌های ۷-۵ قابل‌مشاهده است. از آنجا که پرسش تحقیق پرسش از سوبه‌های صورت‌بندی معماری معاصر ایران به میانجی مفهوم «دیگری» بود، این مطالعه نیازمند کدگذاری انتخابی به‌قصد تولید نظریه نیست و در پایان، با استخراج جدول‌ها و مدل‌های مفهومی از تحلیل‌های فوق، دیدگاه معماران درمورد مفهوم «دیگری» تبیین شد.

نتیجه‌گیری

جستاری بر صورت‌بندی معماری معاصر ایران در مواجهه با «دیگری» چالشی نو در حوزه نظری برمی‌انگیزد و تحلیل و تعمق در روایت‌های معماری معاصر و مفهوم هویت را ضروری می‌کند. در این میان آنچه مورد توجه است کنکاش نظری مکاتب و فیلسوفان در فهم «خود» و «دیگری» و نوع مواجهه با این مفهوم عالم‌گیر است. حوزه معماری نیز از این تلاش مستثنا نیست. زیرا پرداختن به مسئله «خود» و «هویت» به‌تنهایی راهبر ما به‌سوی فهم و دریافت عمیق از وضع کنونی معماری معاصر ایران نیست و بیشتر محققان ایرانی و غربی، در بحث از ماهیت و هویت، آن را بدون عنایت به مفهوم «دیگری» به‌گونه‌ای مجرد و انتزاعی تحلیل کرده‌اند و این کار نه‌تنها راهگشا نبوده است، بلکه دشواری‌های گوناگونی را در فهم ما از وضع کنونی معماری ایران در مناسبت با غرب و معماری مدرن دامن زده است.

جدول ۵. دیدگاه معماران به مفهوم «دیگری»، دسته‌بندی اول کدگذاری (مصاحبه‌گر: سیده‌صدیقه میرگذار). مأخذ: نگارندگان.

معمار	زمان، مکان	گزاره‌های برگرفته از متن مصاحبه و برداشت	کدگذاری باز
رضا دانشمیر	۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۸ مهندسان مشاور حرکت سیال	<ul style="list-style-type: none"> ▪ هر اثر معماری باید به سه بُعد توجه کند: ۱. «دیسپلین معماری» به طور کلی: شامل تاریخ معماری و تحولات آن؛ ۲. «محیط»: شامل کانتکست، سیاست، تاریخ، سرمایه، کارفرما و غیره؛ ۳. «برنامه» (program) پروژه: تایپولوژی. ▪ «دیگری» از نظر من خودم هستم، خود معمار، بدین معنا که یک دیسپلین معماری وجود دارد. شما باید این دیسپلین معماری را بشناسید. آنچه حائز اهمیت است این است که شما به‌عنوان معمار در برابر این دیسپلین معماری چه موضعی میگیرید. به عبارت دیگر، شما چه خوانشی از دیسپلین معماری دارید. تنها در این صورت است که با دیسپلین معماری وارد «گفت‌وگو» میشوید. از نظر من تنها چیزی که بسیار اهمیت دارد دیسپلین معماری است. البته «دیگری»‌های دیگر نیز وجود دارند: کانتکست، محیط، برنامه، متریا، تکنیک ساخت و غیره. 	خود معمار
کوروش رفیعی	۲۱ اسفند، ۱۳۹۷ استودیو طراحی کوروش رفیعی	<ul style="list-style-type: none"> ▪ اصلی‌ترین «دیگری» می‌تواند خود معماری باشد. ▪ یکی خود فضای معمارانه‌ای است که وجود دارد. همه در واقع دنبال این تأیید هستیم و اگر دنبال این نباشیم گویی از فضای معماری بیرون می‌افتیم. ▪ در وهله دوم «دیگری» بعدی، خود معماری جهان است که سرعتش بسیار زیاد شده است. ما می‌خواهیم از معماری جهان هم عقب نیفتیم و تأییدی هم از آن بگیریم. ▪ می‌توان گفت یک «دیگری» نیز خود کارفرماست. کارفرما خودش دسته‌های مختلفی دارد. ممکن است دولتی یا خصوصی باشد. ▪ طوری کار کنی که معماری در مارکتینگ جواب دهد (مسئله اقتصادی). ▪ در پروژه آماج درمان، مسئله اصلی من خود معماری (درمقام دیسپلین خودارجاع) بود. ▪ همین طوری که فکر کنی، آیت‌های زیادی هست. مثلاً دیسپلین‌های دیگر. تو وقتی ساختمانی را می‌سازی مهندسان سازه، مکانیک و برق وارد می‌شوند. به این‌دیگریها هم باید پاسخ دهی. ▪ ضوابط فرادست ▪ حکومت 	معماری (درمقام دیسپلین خودارجاع)، فضای معمارانه (جامعه معماری)، کارفرما، معماری جهان، اقتصاد، سایر دیسپلین‌ها، ضوابط فرادست، حکومت
نشید نبیان	۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۸ دفتر طراحی شیفیت	<ul style="list-style-type: none"> ▪ من آنچه را که شما از آن به نیروهای تأثیرگذار بر معماری تعبیر می‌کنید به نیروهای شکل‌دهنده معماری ترجمه می‌کنم (shaping forces of architecture as a practiced discipline). ▪ در دیسپلین معماری خیلی از نیروها هستند که روی انواع پروژه تأثیر می‌گذارند. اگر بخواهیم بحث را به نیروهایی که در پروژه عمومی یا وجه عمومی یک پروژه اثر می‌گذارد محدود کنیم، من سه نیرو را مشخص کردم که نیروهای خارج از دیسپلین است که مشخصاً در پروژه‌های عمومی یا وجه عمومی پروژه‌های خصوصی اثر مشخص دارند. ۱. یکی از آنها «تنش عرصه خصوصی و حوزه عمومی» در ایران است و آن بخشی که متفاوت از خارج از ایران است سیاسی‌شدن حوزه عمومی توسط ایدئولوژی است؛ ۲. یک «دیگری» تنش است که بین لایه رسمی و غیررسمی در حوزه عمومی وجود دارد که باز متأثر از این سیاست شکل می‌گیرد. این عامل و عامل قبلی وجهی مقاومتی دارد. حوزه خصوصی درمقایسه با حوزه عمومی وجه مقاومتی دارد. لایه غیررسمی نیز در مقابل لایه رسمی مقاومت می‌کند؛ ۳. نهایتاً، سیاست‌ورزی در سطح مدیریت کلان‌شهری است که منظورم از آن ضوابط حاکم است، ضابطه حاکمی که مثلاً در مقیاس میان‌بافتی (in-fill) به یک نوع خاص اجازه ساخت می‌دهد. 	تنش عرصه خصوصی / حوزه عمومی، لایه رسمی حوزه عمومی و لایه غیررسمی آن، سیاست‌ورزی در سطح مدیریت کلان‌شهری
محمود رضایی	۱۸ اسفند ۱۳۹۷ دانشگاه آزاد تهران مرکز	<ul style="list-style-type: none"> ▪ «دیگری» در خود طرح وجود دارد، پروداکتی که حاصل می‌شود و طرحی که ساخته می‌شود و به چیزی ارجاع می‌دهد. چون اصلاً طراحی از نظر من بازنمایی (representation) از چیزی است. ▪ مسئله ارائه (presentation) از نظر من یک «دیگری» طرح است. ▪ خرد جمعی (Professional Networking) ▪ مشارکت، حمایت یا شبکه مردم ▪ جهان‌بینی 	بازنمایی، ارائه، خرد جمعی، مشارکت مردم، جهان‌بینی

جدول ۶. دیدگاه معماران به مفهوم «دیگری»، دسته‌بندی دوم کدگذاری (مصاحبه‌گر: سیده‌صدیقه میرگذار). مأخذ: نگارندگان.

معمار	زمان، مکان	گزاره‌های برگرفته از متن مصاحبه و برداشت	کدگذاری باز
علیرضا تقابنی	۲۳ بهمن ۱۳۹۷ تالار آویزی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران (سخنرانی علیرضا تقابنی در نشست رونمایی کتاب زندان‌ها)	<ul style="list-style-type: none"> تمایل دارم تبعات تکانه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را برای شهر در یک سه‌گانه خلاصه‌سازی کنم. ما هر کدام برای شناخت خودمان به نگاه «دیگری» احتیاج داریم. ما خودمان را از چشم «دیگری» می‌شناسیم و عموماً در گفت‌وگو با «دیگری» است که می‌توانیم بفهمیم کجا ایستاده‌ایم و به چه موضوعی نظر می‌افکنیم و، در دنیای امروز، دنیای پست‌مدرن، ما با تکرار روایت‌ها، ناتمامی و چندمرکزی بودن در ارتباطیم. اینکه ما چگونه با این سه قطب رابطه برقرار می‌کنیم، چگونه می‌توانیم با آن‌ها وارد کنش انتقادی شویم و چگونه می‌توانیم پرسش‌های معماری خود را از آن‌ها استخراج کنیم به نظر من موضوعاتی است که با آن‌ها جایگاهمان را مشخص می‌کنیم. بیشترین مسئله معماری امروز ما جواب نیست. پیدا کردن سؤال‌های درست و پاسخ‌دادن به آن‌هاست. ما، در شرایط امروز ایران، وضعیت خودمان را با سه «دیگری» بزرگ همواره می‌سنجیم و از نظر من نوع جایی که در مقابل این سه‌گانه می‌ایستیم نشان می‌دهد که جایگاه معاصر ما کجاست. از یک طرف ما با یک «حاکمیت» در ارتباطیم که رویکرد مشخصی دارد (نگاهش نگاه ایدئولوژیک است)، از یک طرف با «بازار»ی در ارتباطیم که هدفش حداکثر کردن سرمایه است و از طرف دیگر با «غرب». ۱. تولید گفتمان، تولید دانش و ابزار قدرت و قضاوت‌گری توسط غرب انجام می‌شود. ۲. بازار دو خصوصیت خیلی واضح دارد: یکی کالایی‌کردن فضا و دیگری اینکه نگاهش به سود است که کوتاه‌مدت است. رابطه ما با غرب رابطه‌ای تروماتیک است، یعنی همواره در طول تاریخ رابطه عشق و نفرتی با آن داشتیم. رابطه‌مان رابطه‌ای است که کل کنش روشنفکری ایران وابسته به آن است. اولین سؤال روشنفکری این بود که چرا ما عقب ماندیم؟ ۳. حکومت خوانشی رسمی از تاریخ دارد. 	بازار، حکومت (سیاست)، غرب
محمد یاسر موسی پور	۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۷ کانون معماران معاصر	<ul style="list-style-type: none"> یکی از نیازهای آموزش نظری معماری در کشور ما تمرکز بر مسئله نسبت میان معماری و گفتمان‌های بیرون از آن، همچون اقتصاد، سیاست، فلسفه، است و اینکه چطور می‌شود معماری را با مناسبات خودش و یا با مفاهیم حوزه‌های دیگر خوانش کرد. من فکر می‌کنم که مهم‌ترین «دیگری» معماری، بعد از ۱۹۶۰، مردم است، جامعه است. دیگری‌ها یکی «مردم» است و یکی «بازار» است، اما «مردم» مهم‌ترینشان است، یعنی حتی «بازار» سعی می‌کند مفسر میل «مردم» باشد. بازار وساطت‌گر میل مردم است و از این نظر من مردم را عامل مهمی می‌دانم. قدرت نیز یک «دیگری» است، لایه‌های دولتی دارد و شهرداری و مدیریت شهری و غیره. 	مردم، بازار و قدرت
رضا عسگری	۳ اردیبهشت ۱۳۹۸ مهندسان مشاور آمایش	<p>از نظر من «دیگری» را در چهار سطح می‌توان تعریف کرد:</p> <ul style="list-style-type: none"> یک لایه بحث «دیگری» در سطح فلسفه است (سطح فلسفی: هویت، تعامل با «دیگری»، بدنمندی اجتماعی، فضای عمومی، قلمروی عمومی، عرصه عمومی). سطح بعدی سطح روانکاونه است (میل/ «دیگری» بزرگ و «دیگری» کوچک ژاک لکان و بحث «بر روایت»‌های لیوتار). شرق/ غرب (مواجهه با «دیگری» در سطح فرهنگی یا نسبییت فرهنگی). مسائل برون/ درون‌دیسپلینی، که مسائل درون‌دیسپلینی می‌تواند شامل تولید ایده‌هایی برای سازمان‌دهی فضا یا مثلاً تاریخ معماری، تیپولوژی‌های معماری، قواعد نحوی معماری، زبان معماری و غیره باشد و مسائل برون‌دیسپلینی مثل کاربری، سایت، کانتکست، مسائل اجتماعی، مسائل سیاسی. غرب، سرمایه و بازار (وضعیت اقتصادی): سرمایه‌داری، حکومت (وضعیت سیاسی)، ضوابط فرادست، مالکیت، تکنیک ساخت، فضای آکادمیک (وضعیت فکری) که می‌تواند شامل داوری‌های معماری و آموزش معماری شود. اینکه معمارها راجع به معماری چگونه فکر می‌کنند، اینکه بیش از حد روی فرم معماری تأکید می‌شود، خود فرمالیسم یک «دیگری» بزرگ است. 	غرب، سرمایه و بازار (وضعیت اقتصادی)، سرمایه‌داری، حکومت (وضعیت سیاسی)، فضای آکادمیک (وضعیت فکری)، ضوابط فرادست، مالکیت، تکنیک ساخت
بهروز مریانی	۲۰ اسفند ۱۳۹۷ دانشگاه آزاد تهران مرکز	<ul style="list-style-type: none"> در دنیای امروز باید معماری را با خودش سنجد. پاتریک شوماخر تعریفی از معماری دارد و معتقد است معماری عبارت است از سلسله روابطی که تأثیر متقابل بر هم می‌گذارند و سیستم خودسازنده‌ای را تشکیل می‌دهند. اگر معماری را همچون سیستم بدانیم، آنگاه کویپل شدن سیستم معماری با سیستم بازار یک سیستم اقتصادی خوب را به وجود می‌آورد. اگر چنین سیستمی وجود نداشته باشد معماری به ساختمان‌ساز و بسازوبفروش تقلیل پیدا می‌کند. «دیگری»‌ها شامل بازار، هنر، سیاست و تکنولوژی است. این چهارتا عمده‌ترین «دیگری»‌های اثرگذار است و مؤثرترین در بین اینها بازار است. تکنولوژی در معماری اثر می‌گذارد که معماری نیست و من معماری را مقدم بر «دیگری» می‌دانم. 	بازار، هنر، سیاست و تکنولوژی

جدول ۷. دیدگاه معماران به مفهوم «دیگری»، دسته‌بندی سوم کدگذاری (مصاحبه‌گر: سیده صدیقه میرگذار). مأخذ: نگارندگان.

معمار	زمان، مکان	گزاره‌های برگرفته از متن مصاحبه و برداشت	کدگذاری باز
امیر حسین طاهری	۲۹ فروردین ۱۳۹۸ مصاحبه تلفنی	<ul style="list-style-type: none"> مالکیت بزرگترین «دیگری» را می‌سازد، یعنی اصلی‌ترین مرز «دیگری» از مالکیت شروع می‌شود. «دیگری» به این معنا: گاهی تحسین «دیگری» را می‌خواهیم، گاهی می‌خواهیم شکستش بدهیم، گاهی می‌خواهیم بگوییم ما از تو بهتریم. وجود «دیگری» صورت مسئله است نه الزاماً تأییدش. موضوع مال من / مال تو اولین چیزی است که «مرز»، این «دیگری»، را به وجود می‌آورد و نگاه وقتی «دیگری» قدرتمندتر می‌شود، تو تأییدش را می‌خواهی. «دیگری» ضعیف می‌شود، تو آن را له می‌کنی. برخوردهای مختلف با او می‌کنی. این اتفاق که گفتیم در همه بناهای عمومی می‌بینم اما شدت و ضعف دارد. درجایی «دیگری» شهروند است و جایی سرمایه، باج، قدرت است. یعنی در واقع عامل بیرونی است. 	مالکیت، سرمایه، باج، شهروند، قدرت
محمدرضا حائری	۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۸ مصاحبه تلفنی	<ul style="list-style-type: none"> مهم‌ترین «دیگری» بازار قوی زمین و مستغلات است که همه را به سمت خودش کشیده است. من فکر می‌کنم اتفاقی که به‌ویژه از ۱۳۴۰ به بعد افتاده است در پژوهش‌هایی که من کردم «ساختن بدون معماری» شکل گرفته است، چیزی که در تاریخ معماری ما نبوده است. آدم هر چیزی که می‌سازد یا می‌کشد یا طراحی می‌کند باید معنایی داشته باشد و این معنا برمی‌گردد به اینکه این از چه سرچشمه فرهنگی آب خورده است. منظور من از فرهنگ بیشتر معناست و معنایی که به شیوه زندگی متصل است. اکنون شیوه زندگی «دیگری» شده است، ولی سال ۱۳۴۰ «دیگری» محسوب نمی‌شد. سه‌گانه «قراردادهای اجتماعی»، «شیوه زندگی» و «معانی» را می‌توان «دیگری» به حساب آورد. 	بازار قوی زمین، مستغلات، قرارداد اجتماعی، شیوه زندگی، معنا
بهروز منصور	۶ اسفند ۱۳۹۷ مهندسان مشاور عمارت خورشید	<ul style="list-style-type: none"> یکی از «دیگری‌ها» ضوابط و طرح‌های فرادست شهری‌اند که اجتناب‌ناپذیرند. «دیگری» بعدی اقتصاد است. در همه جای دنیا اول مطالعات امکان‌سنجی انجام می‌دهند که ببینند به لحاظ بازده اقتصادی باید چه اتفاقی در این پروژه بیفتد تا قابل اجرا باشد و توجیه اقتصادی داشته باشد. در پروژه‌های من، «دیگری» غرب نیست. در این دوره پلورالیسم کثرت‌گرا به کانتکست اهمیت می‌دهیم و من معتقدم کانتکست معماری ایرانی شکلی نیست. بیشتر مفاهیم ساجکتیو و محتوایی مدنظر است. 	کارفرما، ضوابط و طرح‌های فرادست شهری، امکان‌سنجی اقتصادی، کانتکست



تصویر ۴. مدل مفهومی صورت‌بندی معماری معاصر ایران در مواجهه با «دیگری» از طریق کدگذاری باز و محوری. مأخذ: نگارندگان.

(شش صورت نهایی) از طریق آن‌ها، در معماری معاصر اثر می‌گذارند.

پی‌نوشت‌ها

۱. contemporariness
۲. identity
۳. Zigmunt Bauman
۴. George Herbert Mead
۵. Mind, Self and Society
۶. difference
۷. similarity
۸. Jean-Francois Lyotard
۹. signifier
۱۰. game theory
۱۱. socialization
۱۲. Julia Kristeva
۱۳. Le mot, le dialogue, le roman

فهرست منابع

- آلن، گراهام. (۱۳۹۲). بینامتنیت (ترجمه پیام یزدانجو). تهران، مرکز.
- اکوانی، حمداله. (۱۳۹۱). زبان و هویت در میدان رسانه‌های غرب: ایران به‌مثابه دیگری. *مطالعات ملی*، ۱۳ (۵۱)، ۲۹-۵۲.
- انصاری، حمیدرضا. (۱۳۹۵). *تحلیلی بر معماری معاصر ایران*. تهران: سبزان.
- اعتصام، ایرج. (۱۳۸۹). معماری، هارمونی و جهانی‌شدن. در: اندیشه‌های معماران معاصر ایران، ج. ۱. تهران: فرهنگ صبا، ۱۵-۳۳.
- بانی مسعود، امیر. (۱۳۹۰). معماری معاصر ایران: در تکاپوی بین سنت و مدرنیته. تهران: هنر معماری قرن.
- باور، سیروس. (۱۳۸۸). *نگاهی به پیدایی معماری نو در ایران*. تهران: فضا.
- باور، فرخ. (۱۳۹۳). مرکز ثقل حافظه تاریخی. در: اندیشه‌های معماران معاصر ایران، ج. ۳. تهران: فرهنگ صبا، ۲۲-۴۷.
- بهشتی، سیدمحمد. (۱۳۸۵). مهندسی ایرانی (بخش دوم). معمار، (۳۸)، ۱۷-۱۹.
- پریوموزیک، دنیل تامس. (۱۳۸۷). *مرلو پونتی: فلسفه و معنا* (ترجمه محمدرضا ابوالقاسمی). تهران: مرکز.
- جهاننگلو، رامین. (۱۳۸۴). *امانوتل لویناس: از اندیشه دیگری تا دیگر اندیشیدن*. در: بین گذشته و آینده. تهران: نی. ۱۳۳-۱۳۹.
- جهاننگلو، رامین. (۱۳۸۷). *ایران و مدرنیته، گفت‌وگوهایی با پژوهشگران ایرانی و خارجی در زمینه رویارویی ایران با دستاوردهای جهان مدرن* (ترجمه حسین سامعی). تهران: قطره.
- حبیبی، محسن. (۱۳۸۵). شرح جریان‌های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر با تأکید بر دوره زمانی ۱۳۵۷-۱۳۸۳. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- حجت، عیسی. (۱۳۸۴). هویت انسان‌ساز، انسان هویت‌پرداز (تأملی در رابطه هویت و معماری). *هنرهای زیبا*، (۲۴)، ۵-۶۲.
- زبرجدیان، محمد مهدی. (۱۳۸۲). معماری، مردم و بحران ارتباط. معماری و شهرسازی (۷۰ و ۷۱)، ۴۹-۵۴.
- شاهمیری، آزاده. (۱۳۸۹). *نظریه و نقد پسلاستعماری*. تهران: علم.
- شهبازی چگنی، بهروز، دادخواه، کاظم و معینی، مهدی. (۱۳۹۳).

- بررسی نقش الگوهای هویت‌پرداز در هویت معماری معاصر ایران. *مطالعات تطبیقی هنر*، (۴۸)، ۱۱۳-۱۲۲.
- صارمی، علی‌اکبر. (۱۳۸۲). معماری امروز ایران، اشتراک در ناشناخته‌ها. معماری و شهرسازی (۷۲ و ۷۳)، ۲۲-۲۹.
- صارمی، علی‌اکبر. (۱۳۸۹). *تار و پود و هنوز: سرگذشت من و معماری ما*. تهران: هنر معماری قرن.
- ضیمران، محمد. (۱۳۸۹). *فلسفه میان حال و آینده: جستاری درباره اندیشه‌های فلسفی معاصر*. تهران: پایان.
- عسگری، رضا. (۱۳۹۶). استقلال دیسپلین معماری و کنشگری سیاسی و اجتماعی معمار. معمار، (۱۰۴)، ۴۵-۴۱.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۱). *انسان‌شناسی شهری*. تهران: نی.
- فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۸۹ الف). ریشه‌ها و گرایش‌های معماری معاصر ایران. در: *گستره‌های معماری*، تهران: فضا، ۴۵۹-۴۷۸.
- فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۸۹ ب). *گسستگی‌ها و دشواری‌های معماری سنتی و معماری امروزی ایران*. در: *گستره‌های معماری*. تهران: فضا، ۲۰۵-۲۱۵.
- قبادیان، وحید. (۱۳۹۲). *سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران*. تهران: علم معمار.
- قطبی، علی‌اکبر. (۱۳۸۷). معماری امروز ایران و مسئله هویت: مفهوم هویت و معماری امروز ایران، آیینة خیال، (۱۰)، ۷۸-۸۳.
- قمی، محسن. (۱۳۸۴). تأثیر نظریه بازی‌های زبانی ویتگنشتاین بر فلسفه لیوتار. *اندیشه دینی دانشگاه شیراز*، (۱۶)، ۶۱-۹۲.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰). *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ* (ترجمه عبدالاحد علیقلیان و افشین خاکباز). تهران: طرح نو.
- کیانی، مصطفی. (۱۳۸۵). معماری روز، معماری معاصر. *آبادی*، (۵۲)، ۴-۵.
- گیببیز، جان آر و بوریمر. (۱۳۶۰). *سیاست پست‌مدرنیته: درآمدی بر فرهنگ و سیاست معاصر* (ترجمه منصور انصاری). تهران: گام نو.
- مختاری، اسکندر. (۱۳۹۶). *میراث معماری مدرن در ایران*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- مزروعی، خسرو، و کمال غریبی مفرد، مهدی. (۱۳۹۳). *پست‌مدرنیسم و جهانی‌شدن فرهنگ با تأکید بر دیدگاه انتقادی ژان فرانسوا لیوتار*. *مطالعات سیاسی*، (۶۲)۷، ۷۰۱-۷۱۲.
- معظمی، منوچهر. (۱۳۸۶). *گسست‌های فرهنگی در معماری دوره معاصر ایران*. معماری و شهرسازی، (۸۶ و ۸۷)، ۹-۱۵.
- مقدوری خوبنما، سارا و مصطفوی، شمس‌الملوک (۱۳۹۴). مفهوم دیگری در فلسفه یاسپرس. *جستارهای فلسفی*، ۱۲۹-۱۵۴.
- مک‌آفی، نوئل. (۱۳۹۲). *ژولیا کریستوا* (ترجمه مهرداد پارسا). تهران: مرکز.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد، بمانیان، محمدرضا و خاکسار، ندا. (۱۳۸۹). هویت معماری، تبیین معنای هویت در دوره‌های پیشامدرن، مدرن و فرامدرن. *هویت شهر*، (۷)، ۱۱۳-۱۲۲.
- نوذری، حسینعلی. (۱۳۷۹). *پسامدرنیته و پسامدرنیسم*. تعاریف، نظریه‌ها و کاربردها. تهران: نقش جهان.
- نوروز برازجانی، ویدا. (۱۳۹۷). *روش‌شناسی پژوهش کیفی*. تهران: شرکت بین‌المللی پژوهش و نشر یادآوران.
- هاشمی، سیدرضا. (۱۳۷۴). معماری ایرانی در سخن چهار نسل از معماران صاحب‌نظر. *آبادی*، (۱۹)۵، ۴-۴۵.

• یاسپرس، کارل. (۱۳۸۳). درآمدی به فهم فلسفه‌ورزی نیچه (ترجمه سیبوش جمادی). تهران: ققنوس.

- Bauman, Z. (1991). Modernity and ambivalence. In M. Featherstone (Ed.), *Global Culture* (pp 143-170). London: Sage Publications.
- Correa, C. (1983). *Architecture and identity*. Singapore, Concept Media Pte Ltd.
- Diba, D. & Dehbashi, M. (2002). Trends in modern Iranian architecture. In: J. Philip (Ed.). *Iran, architecture for changing societies*. London, Umberto Allemandi & amp.
- Farahi, F. (2012). World of similitude: The metamorphosis of Iranian architecture. In: AD. *Iran: past, present and future*, 82(217): 52-61.
- Goodman, L. A. (1961). Snowball sampling. *Annals of mathematical statistics*, 32(1), 148-170. doi:10.1214/aoms/1177705148.
- Haghiri, S. (2010). Les sources de l'architecture contemporaine en Iran: depuis la revolution islamique 1979 (Doctoral dissertation). Paris 1.
- Hamzehloo, S., Etessam, I. & Shahcheraghi, A. (2015), The evolution of the tendencies of contemporary architecture of Iran in confronting with the globalization phenomenon and the emergence of information and communications technology. *Indian journal of fundamental and applied life sciences*. 5(Supp. 1). Retrieved from www.cibtech.org/sp.ed/jls/2015/01/jls.htm

• هگل، گئورگ ویلهلم. (۱۳۸۷). *خدا یگان و بنده* (ترجمه حمید عنایت). تهران: خوارزمی.

• هوسرل، ادموند. (۱۳۸۶). *تأملات دکارتی: مقدمه‌ای بر پدیدشناسی* (ترجمه عبدالکریم رشیدیان). تهران: نی.

- Holquist, M. (1990). *Dialogism: bakhtin and his world*. London, Routledge.
- Kuhn, T. S. (1970). *The structure of scientific revolutions*. Chicago, University of Chicago.
- Mahdaveinejad, M. J., Doroodgar, A. & Moradchelleh, A. (2012). The impacts of revivalist trends on the contemporary architecture of Iran (1977-2011). *Middle-East journal of scientific research*, 11(2), 176-183.
- Sharpe, M. (2002). *Jacques lacan*. *Internet encyclopedia of philosophy*. Retrieved from <https://www.iep.utm.edu/lacweb>
- Treanor, B. (2006). *Aspects of alterity: Levinas*. Marcel and the contemporary debate. New York: Fordham University Press.
- Van Pelt, T. (2000). Otherness. *Postmodern culture: Journal of interdisciplinary thought on contemporary cultures*, 10(2), Retrieved from <http://www.pomoculture.org/2013/09/19/otherness>
- Zabihi, S. (2010). Evaluating the effects of modern movement on contemporary residential buildings in Iran's capital city, Tehran (Doctoral dissertation). Eastern Mediterranean University (EMU).
- Zevallos, Z. (2011). *What is otherness? The other sociologist*. Retrieved from <https://othersociologist.com/otherness-resources>

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

میرگذار لنگرودی، سیده صدیقه، نوروز برازجانی، ویدا، منصور، بهروز و ضمیران، محمد. (۱۳۹۸). روایت «دیگری» فهم معماری معاصر ایران در مواجهه با دیگری (از منظر معماران). *باغ نظر*, ۱۶(۷۷), ۵۹-۷۲.

DOI: 10.22034/bagh.2019.189611.4155

URL: http://www.bagh-sj.com/article_95621.html

